



«بحران معنا»؛ مهم‌ترین موضوع فلسفه دین در آینده

استاد فلسفه دانشگاه تهران گفت: به نظر بنده مهم‌ترین مسئله در فلسفه دین در آینده، موضوع شکنندگی انسان، پوچی زندگی و بحران معناست.

استاد فلسفه دانشگاه تهران گفت: به نظر بنده مهم‌ترین مسئله در فلسفه دین در آینده، موضوع شکنندگی انسان، پوچی زندگی و بحران معناست.

امیرعباس علی‌زمانیه گزارش‌اینکنا، امیرعباس علی‌زمانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران، ۲۹ اردیبهشت ماه در نشست علمی «فلسفه دین زمانه اندیش» با بیان اینکه من سختم را با مطلبی از اونومونو شروع می‌کنم که گفته است ما فکر می‌کنیم فلسفه فقط زاینده عقل انسان است، گفت: او معتقد است هنر انسان زاینده همه وجود او هست و فلسفه و الهیات او هم همینطور و هر کاری ما انجام می‌دهیم، از مجموعه وجود ما برمی‌آید.

وی افزود: تک‌تک ما به عنوان یک انسان مهم‌ترین ویژگی که داریم و وجه تمایز ما با حیوانات است، تفکر انسانی است و در فلسفه ارسطو هم بالاترین فضیلت، تفکر است. ما هر دینی که داشته باشیم، اعم از آسمانی و غیرآسمانی و اهل هر کشوری که باشیم، این سؤال برای ما وجود دارد که من چکاره‌ام، چه باید بکنم، وظیفه من چیست و چگونه زندگی خوبی داشته باشم؛ یک فیلسوف فرانسوی می‌گوید وقتی فلسفه پدید آمد، این سؤال پیش آمد که در جهانی پر از خطرات و لغزش‌ها چگونه می‌توان زندگی آرامی داشته باشیم.

وی با بیان اینکه این فلاسفه برای زندگی خوب سه ضلع آرامش، شادی و فضیلت تعریف کرده‌اند، اظهار کرد: در یونان باستان بالاترین فضیلت، تفکر است و البته پول داشتن و در جای خوب متولدشدن و داشتن معلمان خوب هم فضیلتی بیرونی است و این فضایل بر روی فضایل درونی خیلی اثر می‌گذارد و کسی که خانواده اهل دانش و خوبی دارد بر فضیلت درونی او هم مؤثر است لذا شعار اول فلسفه این است که خودت را بشناس و خود را باش و خودت را بهتر کن.

علی‌زمانی با بیان اینکه داشتن جان و روح خوب در فلسفه هدف است و همه دانش‌ها و علوم باید از ما چنین روحی بسازد، اظهار کرد: این موجود خوب، خوب بودنش هم در تفکر ما به عقلانیت است؛ البته امیال و احساسات و عواطف دارد ولی محور برنامه ریزی او عقلانیت او هست. کسی که فیلسوف است، مانند راننده هم مسیر و هم هدف و هم ماشین را خوب می‌شناسد.

استاد دانشگاه تهران اظهار کرد: مقصودم از فلسفه به مثابه روش زندگی است و همه دانش‌های نظری در انتها باید به موجودی دارای روح خوب برسد و به من بگوید من که هستم و چکاره‌ام و قرار است به کجا برسم؛ یعنی فلسفه باید میوه داشته باشد؛ در عبارات عهد جدید است که باید درخت میوه داشته باشد و از دل فلسفه هم باید معنای زندگی بیرون بیاید که خوب باشد. آن وقت فلسفه دین در جایی است که فلسفه و دین با هم ترکیب می‌شوند؛ فیلسوف در مورد باورهای دینی تأمل می‌کند که آیا صادق هستند یا خیر و یا معنادار هستند؟ در واقع در مورد مفاهیم دینی به صورت آزاد داور می‌کند لذا فیلسوف دین ملحد و شکاک داریم و فیلسوف دین خدا‌باور داریم. انسان کنونی کاملاً از گذشته متفاوت است

علی‌زمانی اضافه کرد: انسانی که الان وجود دارد انسان سابق نیست؛ جسم او همان جسم است و چه بسا اجداد ما از ما قوی‌تر و نیرومندتر بودند ولی عالم درون ما را درون ما می‌سازد. البته نگاه فیزیکی فقط جسم است و بس؛ عالم ما عالم علایق و اندیشه‌های ما هست و عالم دیگری متولد شده است. فردی که هر دم سجاده نشین با وقاری بود الان بازیچه کودکان شده است و علایق او تغییر یافته است.

علی‌زمانی بیان کرد: اصلاً مسیر انسان امروز عوض شده زیرا جان او عوض شده است؛ ما وقتی در مورد اکنون حرف می‌زنیم و باید حرف بزنیم و گذشته باید به درد اکنون ما بخورد آن هم تمام چیزی که از سنت و میراث قبل داریم. امیرمؤمنان(ع) در مورد پیامبر(ص) فرموده است طبیب دوار بطیه. قرآن هم پیامبر(ص) را طبیب و رحمت برای مؤمنان عنوان کرده است؛ فلسفه دین الان با دوره دیگری مواجه است و چند حادثه عامل آن است.

وی افزود: چند زلزله رخ داده است؛ اولین زلزله تغییر مدل زمین مرکزی به خورشیدمرکزی و زمین ثابت و خلیفه خدا بود ولی کیهان

شناسی جدید آن را بهم زد و زمین را متحرک دانست لذا اولین چیزی که مطرح شد آن که من در مرکز عالم نیستم و زمین هم مرکز عالم نیست. خود این نوع کیهان شناسی تأثیر عجیبی بر روی متألهان آن زمان گذاشت و در نهایت گاليله که مدعی گردش زمین بود، زندانی شد و به دار آویخته شد.

استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه برخی انگاره خدای ساعت ساز را مطرح کردند و گفتند خدا زمانی دوباره دخالت خواهد کرد که رخنه ای ایجاد شود، افزود: نیوتن کتب زیادی با موضوع الهیات دارد و او معتقد بود که خدا مهندس است و هر قدر ما ماشین را بهتر بشناسیم، خدا را بهتر خواهیم شناخت؛ خدا طراح عالم است؛ بحران از زمانی شروع شد که داروین تغییرات را مکانیکی توصیف کرد و قصه انسان را هم مانند بقیه موجودات تفسیر کرد و انسان که خلیفه خدا و تافته جدابافته بود زیر سؤال رفت و حتی معنای زندگی هم زیر سؤال رفت.

وی افزود: داستان تکامل، آثار عجیبی برجای گذاشت؛ در تکامل زیستی، اخلاقی و اقتصادی و ... انسان کنونی ناطق ارسطویی به معنای انتزاعی آن نیست یا ابرمرد نیچه و یا تعریف دیگری از او داریم.

وی اظهار کرد: با فروریختن معنای زندگی، بزرگ ترین مشکل انسان امروزی خود او هست و نمی داند چگونه باید به زندگی معنا بدهد؛ یعنی تمام چیزهایی که بشر مانند سرعت و قدرت و تغییر و تحول قصد داشت به دست آورد، به دست آورده است ولی او به چرایی زیستن نیاز دارد و اینکه من چرا زندگی می کنم؟

علی زمانی تصریح کرد: یک فیلسوف آمریکایی می گوید انسان شکننده است هر قدر هم که قدرت داشته باشد؛ محدودیت او همچنان سرچایش هست و انسان تنها شده است.

استاد دانشگاه تهران تصریح کرد: به نظر بنده مهم ترین مسئله در فلسفه دین آینده موضوع شکنندگی انسان و پوچی زندگی و بحران معناست. انسان جدید به معنای تام کلمه نمی تواند عاشق شود، آن عشقی که مولوی آن را در اشعارش بیان کرده است.